

عفت، حجاب و دیدگاه ها

مطهره علی مرتضی^(۱)

چکیده

این نوشتار، پس از بررسی فطری و عقلی بودن گرایش به پوشش و رابطه بین حجاب و عفت، به بحث پیرامون حجاب زن مسلمان و چگونگی و حدود آن در اسلام پرداخته و به دلایل نقلی و بعضاً تاریخی مسئله، استناد می نماید. سپس با بیان دیدگاه های گروه های مختلف در مورد حجاب و بررسی آنها، رأی برتر را به دست آورده، و با تطبیق آنها با مصداقی روشن از زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) که یگانه الگوی زنان و مردان می باشد به پایان می رسد.

کلیدواژه ها: حجاب، عفت و حیا، فطرت، عقل، سیره و سنت، قرآن (کتاب).

مقدمه

مسئله حجاب در رأس مسائلی قرار دارد که دشمنان اسلام علیه آن جنجال به پا کرده اند و بسیار مودیان و تلخ از آن انتقاد نموده اند. برخی از نویسندگان پندارگرای متجدد نیز با پیروی از آنها، در این حمله ظالمانه با آنان مشارکت نموده اند، تا جایی که متفکران اسلامی ملتزم و متعهد به اصول و قواعد اسلامی را بر آن داشته است که از نو این موضوع را توضیح دهند و شبهات پوچ آنان را رد نمایند و مسلمانان را از عواقب وخیم و نتایج این دعوت، که سلسله به هم پیوسته ای برای تخریب بنای اسلام و زشت جلوه دادن تعالیم و مبانی آن است، برحذر دارند.

مسئله حجاب به لحاظ ارتباطی که با ویژگی های گوناگون فردی و اجتماعی انسان دارد، روش های گوناگونی را برای طرح آن می توان پی گرفت و آن را از زاویه های مختلف فرهنگی، روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی، سیاسی و مانند آن مورد بررسی قرار داد.

۱. طلبه سطح سه مدرسه علمیه فاطمیه (علیها السلام) کرمان، مدیر سازمان دهی تحقیقات مدرسه.

برخی از متفکران، پس از طرح تاریخچه حجاب در میان اقوام مختلف و نقد و بررسی اقوال گفته شده درباره زمینه های پیدایش آن، به بیان دلیل و حدود و فلسفه حجاب پرداخته اند. برخی دیگر، مسئله پوشیدگی را از دیدگاه روان شناسان بررسی کرده اند و با طرح انسان و نیازهای روانی او از تولد تا بلوغ و کمال، حجاب را ضرورتی برای رشد انسان و تمرینی برای تعالی او برشمرده اند. برخی نیز، از نظرگاه فرهنگ به حجاب پرداخته اند و نشان داده اند که در هر جامعه، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، بسیار تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه و حتی مبین و آینه آن است. از این رو، پوشیدگی در اسلام و برهنگی در غرب را باید در جهان بینی ای جست که آنان درباره انسان دارند. در این میان، فقها و اندیشمندانی هم هستند که تنها از بُعد فقهی به مسئله نگریسته اند و به گونه ای استدلالی، دلیل و حدود حجاب را بررسی کرده اند؛ برخی در باب نکاح و با طرح احکام نگاه به نامحرم و برخی به صورت مستقل.

این نوشتار بر آن است تا علاوه بر اثبات فطری بودن حجاب، به بررسی جنبه فلسفه شرعی آن از نظر اسلام نیز بپردازد. البته افزون بر فلسفه شرعی و دلایل آن، از زاویه ضرورت آن در اجتماع و میزان آثار منفی و سلبی اختلاط زن و مرد با هم و بی حجابی نیز مطالبی بیان خواهد گردید.

برای به دست آوردن حکم شارع مقدس در این مسئله، مرجع ما ادله اربعه (قرآن کریم، سنت مطهره، اجماع و عقل) می باشد. حاصل این کنکاش، زن را به این اذعان وامی دارد که عفت و حجاب از خصوصیات فطری آدمی است؛ چراکه نظام آفرینش برای پاس داری و نگه داری از این گوهر گران بها و ارزشمند و همچنین برای حفظ مقام و موقعیت زن، چنین مقدر کرده که او درون صدفی به دور از دسترس این و آن باشد.

تجربیات تاریخی گذشته به ما نشان می دهند که دشمنان ملت ها هرگاه خواسته اند نسلی را از درون تهی کنند و سرمایه کشوری را غارت نمایند و ذخیره ها و گنجینه های آن کشور را به یغما ببرند، از این راه وارد شده اند.

حجاب از دیدگاه فطرت

پوشش زنان و مردان پیش از هر چیز از خواسته های فطری پاک و ساختار وجودی آنهاست؛ زیرا از همان آغاز خلقت بشر، هر يك از زن و مرد کوشیدند تا به هر نحو ممکن خود را بپوشانند، بدون آنکه در این مورد قیاس آموزش دیده باشند. این موضوع بیانگر این است که در نهاد انسان عامل بازدارنده و هدایت کننده ای به نام «حیا» وجود دارد که می خواهد انسان را از خطرها و انحرافات حفظ کند و او را به راه صحیح هدایت نماید.

قرآن کریم، در تبیین جریان خلقت و ترسیم چهره زندگی آدم و حوا در بهشت، می فرماید: (فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ). (اعراف: ۲۲) به موجب این بیان، چیدن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا، صرف نظر از فلسفه و حکمت آن در نظام آفرینش، نخستین تحولی که در آنها به وجود آورد، این بود که آنها را در آن حرم «ستر» و «عفاف» با حقیقت «برهنگی» روبه رو کرد. این واقعیت تاریخی، به سادگی مبین آن است که حیا و پوشش به عنوان یکی از مظاهر شرم و حیا و عفت، امری فطری و طبیعی بوده، برای تأمین سلامت روح و روان فرد و جامعه، از ضرورت و کمال اهمیت برخوردار است و در طول تاریخ، هر جا انسان در مسیر فطرت خدایی خویش قرار داشته، اهمیت آن را احساس کرده و آن را به کار بسته است. برای همین است که حیا و عفت، همچنین مظاهر گوناگون آن، همواره مورد ستایش و تحسین بشر بوده است.

رابطه حجاب و عفاف

«حجاب» و «عفاف» دو ارزش راستین برای انسان ها، بهویژه خداجویان و دین باوران پاک سیرت، محسوب می شود. حجاب مانع ظاهری است که همچون صدف، گوهری گرانسنگ در آغوش خود حفظ می کند و نشان از بهای والا و چشمگیر آن دارد، و عفاف حالتی درونی و نفسانی است که از شعلهور شدن هوا و هوس و پیشروی شهوت جلوگیری می کند.

این دو ویژگی برگرفته از اعتقادات ناب دینی و باورهای پاک الهی است؛ یکی «پوشش ظاهری» است و دیگری «کوشش باطنی»؛ یکی «نماد بیرونی» در دیدگان افراد جامعه دارد و همچون بیرقی افراشته و شعاری نمایان همگان را به صلاح و رستگاری فرامی خواند و دیگری «نمود درونی» در سازمان دهی اعضا و مدیریت چشم و گوش و دل و دیده دارد تا هر يك در مرحله ای صحیح و سازنده به کار گرفته شوند و در مرزهای ممنوع الهی متوقف گردند. آن عظمت و این عزت، موجب گردیده که افزون بر «حق الناس» بودن حجاب، «حق الله» نیز محسوب شود و علاوه بر حفظ مصالح عمومی جامعه، طاعت و اطاعت پروردگار مهربان نیز دانسته شود. از این رو، در نگاه سراسر بصیرت و بینش خردورزان، حجاب هرگز «محدودیت» نخواهد بود، بلکه «مصونیت» جامعه محسوب می شود. (لقمانی، ۱۳۸۳، ص ۴۴)

معنای حجاب در قرآن کریم

قرآن کریم می فرماید: (وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...) (نور: ۳۱); به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را فروگیرند و عورت های خویش را

مصون دارند و زینت خویش را نمایان نسازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً پیدا می‌گردد، و روسری خود را بر یقه و گریبان هایشان آویزان کنند.

خداوند مردان را به چشم پوشی و نظر نکردن بر زنان مقدم داشته است؛ زیرا اقدام از طبیعت مردان است، در حالی که نگه داری جنسی از صفات زنان به شمار می‌رود. دستور قرآنی تنها به حفظ چشم از نظر اکتفا نکرده، بلکه عملاً دستور به پوشاندن جسم داده تا از شناخت و دید مردان به دور باشد؛ چون به وسیله آن بدبخت و شقی خواهد شد.

حجاب اسلامی عبارت است از حفظ شرم و حیای زن اولاً، با چشم فرو بستن از نگاه به نامحرم و ثانیاً، پوشاندن اندامش با چادر یا جامه وسیع بر روی لباس عادی تا نشانه‌ها و برجستگی‌های اندام خویش را بپوشاند تا شناخته نشود و کسی وی را نیازارد و از شك و گمان و بدگویی به دور باشد و در چشم دیگران با مهابت و ابهت جلوه نماید و محبوب دل‌ها گردد. (جمال محمد فقی رسول، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴)

آیه کریمه، حکم زنان را از نظر لباس و آشکار کردن بدن و قسمتی از اعضا، در دو حوزه مطرح نموده است:

حوزه اول: جامعه و زندگی اجتماعی

شارع مقدس در این زمینه، رابطه زن را با جامعه از آن حیث که انسان و زن است، مورد توجه قرار داده است. به همین دلیل، به زن اجازه نمی‌دهد تا اندام زنانه و جنسی خود را در مقابل مردان نامحرم آشکار گرداند. بر این اساس، زنان باید چشمان خود را به خاطر حفظ امنیت، حیا و دوری از ابتذال، کنترل کنند.

حوزه دوم: خانواده

از حیث رابطه زن با خانواده و ارتباط او با همسر و دیگر محارم و اتباع آنان، می‌توان از مجموع ادله شرعی در کتاب و سنت، چنین استنباط نمود که شارع مقدس خواسته است تا زندگی زن از لحاظ سازگاری با طبیعت و آفرینش انسانی، و نیازهای عملی - عاطفی وی در درون خانواده کاملاً طبیعی باشد.

در تشریح قوانین مربوط به درون خانواده، به انگیزه‌های زنانه زن، یعنی زینت دوستی و علاقه به اظهار زینت، پاسخ مثبت داده می‌شود بدون آنکه انسانیت او مورد تحقیر قرار بگیرد. خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره نور، آشکار کردن تمام زینت را برای زنان مباح شمرده است و از

شوهر آغاز می‌کند؛ زیرا تنها شوهر، با زن خود رابطه جنسی دارد. پس از شوهر، دیگر خویشاوندان محرم و اتباع آنان و کودکان ناممیز ذکر شده‌اند.

اگر بخواهیم تنها بر مبنای آیه حکم کنیم، چنین برمی‌آید که آشکار نمودن تمام بدن و تمام زینت‌ها برای تمام افراد مذکور جایز می‌باشد، در حالی که سنت شریف، برای این حکم، تفصیل قایل است؛ آشکار نمودن تمام بدن را فقط برای شوهر مجاز می‌داند و بس. دیگر افراد محرم نیز هر يك حکم جداگانه‌ای دارند که در فقه آمده است، و حدود و میزان بازگذاشتن اعضا نسبت به هر يك از موارد مذکور در آیه، با وجود اختلافی که در روایات هست بیان گردیده است.

و نظر برگزیده از میان جمیع روایات، آن است که اعضای مذکور عبارتند از: صورت، دست تا محل مچ، و پا تا محل مچ؛ بازگذاشتن این اعضا، خواه همراه با زیور آلات باشند و خواه بدون زیور آلات، جایز و بلاشکال است. (شمس الدین، ۱۳۸۲، ص ۷۸)

حجاب از دیدگاه عقل

لزوم پوشش از نظر عقل، نیاز به توضیح ندارد؛ چراکه هر عقل سلیم آنچه را که برای انسان مایه کرامت و حفظ از انحرافات و بیهودگی و پوچی هاست، موجب استواری انسان می‌داند و آنچه را که باعث فساد اخلاقی و پیامدهای شوم فرهنگی می‌شود، مذموم و ناپسند. این يك مطلب وجدانی عقلی است که به اصطلاح «قیاسات‌ها معها»؛ دلیلش همراه خودش است. عقل چون چراغی تابان است که زشتی‌ها و نیکی‌ها را نشان می‌دهد، عوامل خوش‌بختی و بدبختی راه را مشخص می‌کند. بنابراین، حجاب يك وسیله بسیار لازم و شایسته برای زنان و مردان است و به طور کلی، هر چیزی که مایه انحراف و فساد است، عقل آن را حرام می‌داند و هر چیزی که باعث رشد و تکامل و سلامتی فرد و جامعه است، عقل آن را شایسته و انسان را بر انجام آن ملزم می‌سازد. (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰)

خصلت حیا یکی از شعبه‌های عقل است. وجود حیا در انسان او را به سوی حفظ پوشش و عفت عمومی دعوت می‌کند و به عکس، بی‌حیایی که از شعبه‌های جهل است، انسان را به برهنگی و بی‌عفتی فرامی‌خواند.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند به آدم(علیه السلام) وحی کرد: من تو را به انتخاب یکی از سه صفت عقل، حیا و دین مخیر نمودم؛ یکی از آنها را انتخاب نما و صفت دیگر را رها کن. آدم عرض کرد: من عقل را برگزیدم. خداوند توسط جبرئیل به حیا و دین فرمود: از عقل جدا گردید و او را به خودش واگذارید. آنها به جبرئیل گفتند: ما از سوی خدا فرمان داده شده ایم که از عقل جدا نگردیم؛ هر جا که عقل باشد ما همراه آن هستیم. جبرئیل گفت: چنین باشد.» (کلینی، ج ۱، ص ۱۰)

در نتیجه، خصلت حیا که از صفات فطری انسان است و موجب حفظ عفت خواهد شد، از عقل جدا نیست و این دو همیشه و در همه جا با هم هستند. اگر کسی در عمل، خصلت حیا را رعایت نکند در حقیقت، خود را از عقل نیز جدا ساخته است.

حجیت سیره

یکی دیگر از اموری که می توان دلیل بر جواز بازگذاشتن اعضای مورد بحث به حساب آورد، سیره است. حجیت سیره دو شرط دارد:

اول. این سیره مربوط به زندگی عمومی مسلمانان باشد و رفتار افراد متشرع را در مواجهه با زنان آزاد مسلمان نشان دهد. می توان گفت: اینکه زنان در جامعه اسلامی، اعضای مذکور را بازمی گذاشتند، هیچ تردیدی وجود ندارد، اما در صورتی که این زنان از اهل کتاب، یا کنیزان و بادیه نشینان باشند، در کشف حکم شرعی هیچ کمکی نمی کند.

دوم. از جانب شارع، منعی نسبت به این اقدام زنان صورت نگرفته باشد تا تعیین شود که اقدام مزبور، ناشی از سهل انگاری در عمل به احکام شریعت مقدس نبوده است.

اگر دو شرط مزبور وجود داشته باشد، سیره حجت است و بر مبنای آن می توان حکم شارع مبنی بر جواز بازگذاشتن اندام مذکور را به دست آورد.

امر اول. اولاً، مدعای مورد نظر، وجوب بازگذاشتن این اعضا نیست، بلکه جواز آن است و ثانیاً، پوشش کامل که دربرگیرنده این اعضا نیز هست از نظر شرع اسلامی که هرگونه اختلاط زن و مرد را قابل تشویق نمی داند و برای پیشگیری از مفاسد و زیان های آن قیودی را وضع کرده است، امری پسندیده به نظر می رسد.

پس سیره مورد ادعا آن است که زنان آزاد مسلمان در دوران پیامبر و امامان (علیهم السلام) در امور مختلف و جریان معمول زندگی، دست و پا و صورت خود را بازگذاشته باشند و شواهد متواتری بر وجود این سیره در کتاب های تاریخ و سیره نبوی به چشم می خورد. (شمس الدین، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰)

امر دوم. باید اعتراف کرد که این سیره از زمان پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) تا دوران ما، در میان متشرعان استمرار داشته، و نمی توان گفت وجود این وضعیت، در اثر سهل انگاری مسلمانان در عمل به احکام شرع تحت تأثیر اقوام دیگر، پدید آمده است؛ بلکه به اعتقاد ما، منع نکردن شارع مبنای کشف حکم شرعی در مسئله مذکور است.

و همان گونه که از روایات مذکور در بحث سنت به دست می آید، نه تنها منعی از سوی شارع انجام نگرفته است، بلکه همان طور که در امر اول گذشت، از روایات چنین برمی آید که شارع

این مسئله را امضا و تأیید کرده است و فقیهان با توجه به ویژگی های وقایع و پاسخ و پرسش های مردم از معصومان (علیهم السلام) این حقیقت را درمی یابند. چنانچه این رفتار، مورد قبول شارع نبود، باید به وضوح و صراحت تمام از آن منع می شد و این منع چندان تکرار می گشت که برای مردم به عنوان نظر شارع مسلم گردد. اما ملاحظه می کنیم که کوچک ترین منعی از شارع نسبت به این سیره، در منابع یافت نمی شود و حال آنکه در صورت جلوگیری شارع، ارتباط تنگاتنگ موضوع با زندگی عموم و اهمیت بسیار آن سبب می شد تا این موضع شارع به سرعت میان متشرعان پخش شود. از این رو، به نظر می رسد همین وضعیت، برای یقین یافتن به موافقت شارع با سیره مذکور در میان متشرعان کافی باشد. (شمس الدین، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴)

دیدگاه ها پیرامون مسئله حجاب

اسلام آن اندازه که درباره حجاب زن مورد انتقادهای پوچ واقع شده است، در هیچ مسئله دیگری به این شدت مورد هجوم قرار نگرفته است. این حملات و تهاجم را سازمان های تبشیری و استعماری به عنوان جزئی از مجموعه نقشه ها، دسیسه ها و توطئه ها به منظور متلاشی کردن تعلیمات و مبانی اسلامی انجام می دهند.

لیکن اگر انسان خود را مکلف به پژوهش در تاریخ حجاب نماید، به زودی این طوفان و گردباد متلاشی می گردد. کسانی را که به این مسئله می پردازند، چه از نظر منتقدان و چه از نظر پاسخ دهندگان به آنها، می توان به صورت زیر تقسیم نمود:

۱. گروهی که به نفی حجاب و دریدن آن دعوت می کنند و زیان هایی برای آن پنداشته اند;
۲. گروهی که میانه رواند و می کوشند بین نصوص دینی و مسائل روز سازشی به وجود آورند;

۳. گروهی که این موضوع را با منطق و دیدگاه اسلام و واقعیت مشهود مطرح می کنند.

در ذیل، به بررسی این دیدگاه ها و دلایلیشان می پردازیم:

دیدگاه گروه اول

قاسم امین از جمله کسانی است که ندای بدعت کشف حجاب و دور انداختن آن را سرداد. (به نقل از: فقی رسول، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰) قاسم امین و پیروان و مؤیدان وی، در کتاب ها و مقالات خود از حجاب به عنوان عرف و عادت ملت ها و شعوب پیش از اسلام یاد کرده اند که مسلمانان از آنان متأثر شده اند. آنان به ویژه در این دوران اخیر و به قول خودشان کشف حجاب در مفهومی اسلامی (یعنی صورت و دستان را برهنه کردن و در بازار و اماکن عمومی همانند دانشگاه ها و اماکن عبادت و دادگستری با

مردان آمیختن)، می گویند: حجاب منافی با آزادی و حریت است؛ چون حجاب رمز بردگی است و در اسلام مختص به زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده است. ایشان برای اثبات ادعای خود به آیات ۳۲، ۳۳ و ۵۳ احزاب استناد می کنند:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب: ۳۲-۳۳); ای همسران پیامبر! شما مثل هیچ يك از زنان دیگر نیستید؛ اگر می خواهید پرهیزگار باشید، صدا را نرم و نازک نکنید که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند، بلکه به شیوه شایسته و برازنده سخن بگویید. در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. خداوند قطعاً می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

(وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ) (احزاب: ۵۳); هرگاه وسیله ای را از زنان پیامبر خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید.

این گروه برای اثبات موجه بودن ترك حجاب و به دور افکندن آن، زیان های زیر را برای پوشیدن حجاب برشمرده اند:

الف. زن با حجاب اعتماد به مرد را از دست می دهد و برای او مهم نیست که به مرد خیانت کند;

ب. زن محجبه از اینکه به محل گمان و تهمت برود، ابایی ندارد؛ چون کسی او را نمی شناسد، اما زن بی حجاب که همه او را می شناسند می ترسد از اینکه به چنین جاهایی برود. (همان، ص ۲۴۰) افزون بر آن، حجاب خود منع است و انسان حریص است بر چیزی که از وی منع شده است؛ پس اقدام به هتك حجاب می کند، ولی بی حجابی چنین نیست.

ج. حجاب مجالی برای فریب و تقلب در ازدواج یا شهادت به حق و یا اعتراف به حق در برابر قاضی است، بر خلاف بی حجابی که کسی بدان فریب نمی خورد و او را اشتباهی نمی گیرد. (همان)

د. اگر حجاب را به معنای ماندن در خانه تفسیر کنیم، سبب می شود که زنان تندرستی خویش را از دست بدهند و از نظر روحی و جسمی بیمار گردند و در جوانی به چاقی و کم خونی مبتلا شوند؛ چون نمی توانند هوای صاف را استنشاق کنند. (همان)

ه. حجاب سبب بدگمانی و بدبینی غربیان به مسلمانان می شود؛ زیرا می گویند اگر مسلمانان از عفت و پاکدامنی زنانشان مطمئن بودند، آنان را از چشم بینندگان دور و پنهان نمی کردند.

علاوه بر آن، اغلب موجب تنافر زوجین از یکدیگر می‌شود؛ چون ازدواج به انتخاب آنان صورت نگرفته، بلکه از روی عادت به انتخاب و اختیار والدین صورت می‌گیرد و این درست نیست؛ زیرا والدین ازدواج نمی‌کنند، بلکه اولادشان ازدواج می‌کنند. (همان، ص ۲۴۴)

این گروه منحرف سرانجام تظاهر می‌کنند که به نصوص دینی و آرای فقهی استدلال می‌نمایند. آنان حجاب را چنین تفسیر می‌کنند که خاص زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) است و برای زنان دیگر مسلمان نیست. *قاسم امین* می‌گوید: «حجاب علاوه بر زیان‌هایی که دارد، به موجب يك نص شرعی ثابت نشده است، بلکه عادت است که از ملت‌های دیگر گرفته‌اند و آن را نیکو دانسته‌اند و در آن مبالغه کرده‌اند و مانند دیگر عادت‌های زیان‌مند، جامه دین‌بدان پوشانده‌اند و دین از آن بیزار است.» (همان، ص ۲۴۵)

دیدگاه گروه دوم

این گروه می‌کوشند بین عمل به نصوص شرعی و آرای فقها درباره حجاب از يك سو و بین آنچه که مقتضیات تحولات عصر نوین بر زنان املا می‌کند، مانند بیرون رفتن از خانه و اختلاط با مردان، از سوی دیگر، سازش برقرار کنند و این دو را با هم جمع نمایند و در پاسخ به نیازهای جامعه و امت اسلامی بعضی از مناسبت‌ها و فرصت‌های شغلی متناسب با شأن زنان را برای آنان مهیا سازند و خروج برای آنها را جایز می‌دانند. گروه دیگر از متفکران جدید اسلامی همچون محمد رشید رضا، ملا محمد جلی زاده کردی و بسیاری دیگر، از جمله قایلان به این رأی هستند. این گروه در اینکه حجاب به معنای ماندن در خانه را مختص به زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) می‌دانند با گروه اول متفق القولند. البته این گروه بر خلاف گروه اول که رأی خود را به تقلید و پیروی از زنان غربی که مردانشان این عادت آنها را پذیرفته‌اند عنوان می‌کنند، به اصول شریعت اسلامی استناد می‌نمایند.

استدلال بر اینکه حجاب تنها به زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام زنان مسلمان می‌شود در وجوه زیر خلاصه می‌گردد:

الف. آیه حجاب که با ضمیر غایب خطاب به زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمده است به دلیل قیاس جلی شامل عموم زنان مسلمان می‌شود؛ چون اوامر و نواهی آن عام است و موجب اختصاص آن به طبقه‌ای خاص در آن نیست و زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) به دلیل احترام و تشریف مورد خطاب قرار گرفته‌اند تا اشاره‌ای باشد به اینکه آنان بیش از دیگران سزاوار تسلیم در برابر این تعلیمات هستند. (همان، ص ۲۵۵)

ب. همان‌گونه که آیه استثنای از حجاب عام است و شامل همه زنان می‌شود (لَا جُنَاحَ عَلَیْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ)

(احزاب: ۵۵) (بر آنان [زنان پیامبر] گناهی نیست که با پدران، فرزندان، برادران، فرزندان برادران، فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خود بدون حجاب تماس بگیرند)، پس حجاب و همه تعلیمات دیگر از قبیل نرم سخن نگفتن و عدم نشان دادن زینت و محل زینت و خواندن نماز و دادن زکات و اطاعت خدا و رسول، شامل همه زنان مسلمان می شود و هیچ کس جرئت ندارد که بگوید این تعلیمات شامل همه زنان مسلمان نمی شود؛ چون اگر چنین بگویند مهم ترین وظایف دین اسلامی ساقط می شود. بنابراین، حجاب نیز مانند این اصول شامل و عام است. (همان، ص ۲۶۴)

ج. مراد از آیه (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ) (احزاب: ۳۲) امتیازی است که در آیه قبلی به زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) نسبت داده است و می فرماید: (وَمَنْ يَفْتِنُ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ) (احزاب: ۳۱) (اگر زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) از خدا و رسولش اطاعت کنند و عمل صالح انجام دهند اجر و پاداش شان دو برابر اجر و پاداش زنان مسلمان است) وگرنه مراد از اوامر و نواهی مذکور تنها زنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) نیست تا زنان مسلمان از این اوامر و نواهی معاف باشند.

این گروه بر این نظر اجماع دارند که کشف صورت و هر دو دست در نماز و حج و معاملات و به هنگام خواستگاری عملی شرعی است. (همان، ص ۲۶۵)

ولی مورد استدلال درباره مسئله حجاب، آیه ۳۱ سوره نور است که می فرماید: (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ). سیاق آیه این را می رساند که بر زنان واجب است چشم از نگاه به نامحرم ببندند و حفظ حیا و شرم کنند و جاهلانه زینت و محل زینت خود را آشکار نسازند و نباید به عمد صورت و محل زینت دستان خود را به نمایش گذارند، ولی اگر بدون قصد و تمایل به خودنمایی و برای رفع نیاز و ضرورت این دو اندام ظاهر شد، گناهی ندارند و اسلام آن را روا داشته است، وگرنه روا نیست.

دیدگاه گروه سوم

این گروه می گویند: حجاب يك برنامه اسلامی است که مقصود از آن حفظ زن مسلمان از برهنگی و هدف قرار گرفتن جان های بیمار است و مصون بودن از تعرض و آزار و اذیت. پس زن حق دارد برای انجام نیازها و داد و ستد با دیگران با صورت و دستان باز از منزل خارج شود. /ابوالاعلی مودودی، شیخ مصطفی صبری و سید قطب از جمله افرادی هستند که به این نظر قایلند. (مودودی، بی تا، ص ۳۶۵-۴۰۰) این گروه به آیات ۳۰ و ۳۱ نور و نیز ۳۲ و ۳۳ احزاب استناد می کنند. این آیات، هر دو جنس زن و مرد را به چشم پوشی و نگاه نکردن به همدیگر امر کرده است، مگر در حالات ویژه ای که آن هم به قدر ضرورت جایز است؛ مانند نظر کردن طبیب به زن بیمار و یا نگاه

قاضی به زن شاهد. از این حالات استثنایی برمی آید که شارع نظر دو جنس به همدیگر را به طور مطلق منع نکرده است، بلکه مقصود از منع نظر، جلوگیری از فساد و فتنه است. از این رو، نظری را منع کرده است که نیازی بدان نیست و تمدن در آن نفعی ندارد و به علاوه، موجب تحریک گرایش و تمایلات شهوانی در انسان می گردد. (همان، ص ۳۴۴-۳۴۸)

ترجیح رأی برتر: در مستندات گروه سوم، نیازهای بشری که زن باید برای انجام آنها تلاش نماید، در نظر گرفته شده و حدود آداب اسلامی و حشمت و حیا و نیاز در آن مراعات گردیده است. رومیان تا زمانی که به حکم قانون، بی حجابی را منع کرده بودند، در دنیا عزت و قدرت داشتند، اما پس از آنکه از حجاب چشم پوشیدند و دنبال لذت های جسمانی و شهوات و بی حجابی دوران جاهلیت رفتند، دولتشان منقرض گردید و دلیل و خوار شدند.

بنابراین، می توان گفت: بی حجابی زن مسلمان و ترك حشمت و حیای آن یکی از عوامل ضعف و انحطاط مسلمانان و ضعف شخصیت آنان شده است؛ زیرا هر اندازه زن از ابتذال و بی حیایی و اماکن شك و گمان و فساد دور باشد بر قوت و صلابت مرد افزوده می شود و از خسران و شکست مصون می ماند و به عکس.

اینکه گروه سوم حجاب را يك برنامه اسلامی می داند و آن را برای زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و زنان مسلمان عام می داند، مقصود آن نیست که زن در خانه زندانی گردد و بیرون نرود، آن گونه که قاسم امین و امثال او چنین تعبیر غلطی از حجاب دارند (فقی رسول، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶) ایشان بر امت اسلامی که به مصیبت افکار آنان مبتلا شده اند، این تفضل را کرده اند که اعلام نمایند باید حجاب را به دور انداخت؛ چون سبب عقب ماندگی مسلمانان است! هدف نهایی این تفکر شوم هدم و تخریب دین است که در زیر پرده تظاهر به آیات و احادیث و عقاید و نظریات متفکران اسلامی، آن را پنهان کرده اند. آنان با دعوت به بی حجابی می خواهند زن مسلمان را به ابتذال، پوچ گرایی، بی عفتی و بی کرامتی بکشانند.

چادر، حجاب برتر

اسلام سفارش های زیادی به حفظ و تقویت پیوندهای خویشاوندی دارد، اما به همان دلایلی که رعایت حریم در روابط اجتماعی واجب است، در میان خویشاوندان نامحرم نیز لازم و واجب است تا از عوارض نامطلوب جلوگیری شده و پیوند میان خانواده ها محفوظ بماند؛ در نتیجه، جامعه نیز از سلامت روانی برخوردار می گردد.

در روان شناسی رنگ ها می خوانیم که رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است. از این رو، کسی که لباس سیاه می پوشد، می خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. این مرز در

موفقیت های مختلف ممکن است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می پوشند تا نشان دهند که بین آنها و عزیزشان فاصله افتاده، مرز زندگی آنها را از هم جدا کرده است. گاه نیز برای مشخص کردن مرزها و حریم های اجتماعی لباس سیاه بر تن می کنند. حجاب يك زن مسلمان با چادر سیاه از این دسته است. در واقع، زن با چادر سیاه بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می کند و با این سیاهی ظاهری می خواهد نگاه تیز و برنده هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمت او را از بین ببرد. از این رو، چادر مشکی مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است.

سلسله دستورها و توصیه های آسمانی اسلام برگرفته از «فطرت، اندیشه و عشق» می باشد؛ روشن و روشنگر و دارای جلوه های جاودان در رابطه انسان با خود و خلق و خداست. از این رو، بسیاری از احکام و بایدها و نبایدها از نگاه آموزه های فقهی کاری مجاز است، اما از نظر توصیه های اخلاقی، عملی ممنوع.

امام علی(علیه السلام) می فرماید: در روزی بارانی و تیره و تار به همراه رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در بقیع نشسته بودم که زنی سوار بر الاغ عبور کرد. دست حیوان در گودالی افتاد و زن به زمین خورد. با افتادن او، پیامبر(صلی الله علیه وآله) بی درنگ چهره خویش را برگرداند. اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آن زن شلوار پوشیده است. پیامبر(صلی الله علیه وآله) سه بار فرمود: «اللهم اغفر للمُتَسَرُّوَلَاتِ» (خدایا زنانی را که شلوار می پوشند [و از خانه بیرون می روند] مورد مغفرت قرار بده) (نوری، ۱۹۸۷ م، ج ۳، ص ۲۴۳) آنگاه توصیه کرد: «ای مردم! از شلوار استفاده کنید؛ چراکه پوشاننده ترین لباس های شماس است و با آن زنانان را هنگامی که از خانه خارج می شوند، مصونیت بخشید.» (همان)

حضرت زهرا(علیها السلام) که حساسیت بسیار نسبت به پوشش متین و مناسب دارد، رو به شوهر خود می کند و عرضه می دارد: «و ما علی رأسی من قناع الا عبا نَسْجُئُها یصاع»؛ مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم، مگر چادری که آن را با يك من بافته ام. (مجلسی، ۱۳۹۹ ق، ج ۳۵، ص ۲۴۰) و همراه با چنین حساسیتی ستوده در حجاب و پوشش، عفتی والا از خود نشان می دهد. آن حضرت رو به /اسماء بنت عمیس کرده می فرماید: «ای اسماء! من این شیوه را که نسبت به بانوان انجام می شود و پارچه ای روی جنازه زن نمی اندازند و حجم جسد نمایان است ناروا می شمرم و نمی پسندم.» اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! آیا چیزی را که در سرزمین حبشه دیدم به شما نشان دهم؟ پس از آن، چوب های تری فراهم ساخت، آنها را خم کرد، سپس پارچه ای روی آنها انداخت [تابوتی ساخت]. حضرت فاطمه(علیها السلام) با دیدن آن فرمود: «چقدر این خوب و زیباست! چرا که به واسطه آن، زن از مرد بازشناخته می شود. هرگاه من جان سپردم، تو و علی مرا غسل دهید و

هیچ کس دیگر بر من وارد نشود.» آن اندوه و این احساس مسئولیت برای پس از مرگ در حالی است که همه می دانیم با پایان حیات هیچ مسئولیتی فقهی برای انسان در انجام مراسم غسل، کفن و یا تشییع وجود ندارد؛ اما فاطمه، فاطمه است و پاره تن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و همسر علی مرتضی(علیه السلام). او به بانوان نسل ها و عصرهای بعد درس حجاب و عفاف را تا آخرین لحظه حضور روحانی و جسمانی در دنیا می دهد و این اندوه تلخ اما مقدس خود را با لبخندی شیرین و دلنشین پایان می برد؛ زیرا با دیدن تابوت، تنها و آخرین تبسمی (طبری، ۱۳۵۶ ق، ص ۵۳) که بعد از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از او دیده شد، همان بود و بس! آن عزیز الهی در پایان، اسماء را دعا کرد و فرمود: «استرینی سترک الله من النار»؛ پیکر مرا بپوشان، خداوند تو را از عذاب آتش دوزخ خود بپوشاند. و با چنین اندیشه شفافی به دیدار معبود خود شتافت.

نتیجه

زهرای مرضیه(علیها السلام) که بانویی سرشار از بینش و بصیرت بود و در زمان جاهلیت تیره و تار «کوثر زنان و مردان آفرینش» نام گرفت، با سیره و سخن خود «فرهنگ برهنگی» و «برهنگی فرهنگی» دیروز و امروز را به خوبی مورد توجه قرار داد؛ الگویی ماندگار از شخصیت عظیم خویش به یادگار گذارد و جلوه های ارزشی زنان را برای همیشه ایام ترسیم کرد.

از این رو، «نگرش جامع در پوشش کامل» را ضرورت نخست می شمرد تا پیش از «حجاب»، «عفاف» بانوان از بلندای عشق و اندیشه آنان لبریز شود و نمادهای مختلف این نگرش باطنی در پوشش ظاهری آنها جلوه گر شود. بدین گونه، او خود محیط خانه و خانواده را صاحب اهمیت و ارزشی بی کران می دید و حضور زنان را در خانه - در غیر زمان های ضروری و تأثیرگذار در عرصه های گوناگون اجتماعی - موجب عبادت و تقرب به پیشگاه خداوند بزرگ می دانست و می فرمود: «أذنی ما تَکونُ من ربّها ان تَلزم قَعْر بیئها»؛ آن هنگام که زن در خانه می ماند، از همه حالات به پروردگارش نزدیک تر است. (مجلسی، ۱۳۹۹ ق، ج ۴۳، ص ۹۲)

«ضرورت پوشش» برای بانوان به خاطر هندسه جسمی و ساختمان روحی زنان و جاذبه گفتار و رفتار فردی و اجتماعی آنها نکته ای برجسته در باورهای دخت آفتاب نسبت به زنان است؛ از این رو، آن بانوی بزرگ دقت و حساسیت فراوان از خویش نشان می داد و شناختی بسیار روشن به جلوه ها و جاذبه های پیدا و ناپیدای زنان داشت.

منابع

* قرآن کریم.

۱. پور سیدآقای، مسعود، *حجاب میوه شناخت*، قم، حضور، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۲. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۳. حسینیان، روح الله، *حریم عفاف*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۴. دفتر مطالعات دینی زنان، *فرهنگ حجاب*، قم، پژوهش جامعه الزهراء، ۱۳۷۹.
۵. رضایی، مهدی، *گل های آرام بخش*، قم، عطر سعادت، ۱۳۷۹.
۶. شمس الدین، محمد مهدی، *حدود پوشش و نگاه در اسلام*، ترجمه محسن عابدی، تهران، انتشارات بین المللی المهدی، ۱۳۸۲.
۷. طبری، احمد بن عبدالله، *نخائر العقبی*، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ق.
۸. فرهادیان، بتول، *آنچه یک جوان باید بداند*، قم، رئوف، ۱۳۷۱.
۹. فقی رسول، جمال محمد، *زن در اندیشه اسلامی*، ترجمه محمود ابراهیمی، تهران، احسان، ۱۳۸۳.
۱۰. لقمانی، احمد، *روش ها و بینش های حضرت زهرا (علیها السلام) درباره یک زندگی زیبا*، قم، بهشت بینش، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، اسلامی، چ دوم، ۱۳۹۹ ق.
۱۲. مجموعه سخنرانی کنفرانس زن، *حجاب و آزادی*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۳. محمدی، صدیقه، «حجاب در آینه روایات»، تحقیق کارشناسی علوم تربیتی، کرمان، مرکز خواجه نصیر، ۱۳۷۷.
۱۴. محمدی نیا، اسدالله، *بهشت جوانان*، قم، سبط اکبر، ۱۳۸۰.
۱۵. مطهری، مرتضی، *مسئله حجاب*، نشریه انجمن اسلامی پزشکان، ۱۳۸۳.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۷. مودودی، ابوالاعلی، *الحجاب*، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
۱۸. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۹۸۷.